

یادداشت

رازانسجام در جوامع چندصدا

انسجام اجتماعی زمانی تقویت می‌شود که همه بازیگران، اعم از اکثریت، اقلیت و نهادهای حافظ ثبات، خود را مقید به قواعدی بدانند که از پیش روشن، قابل پیش‌بینی و مورد پذیرش عمومی باشد. پایداری اعتماد عمومی نیز تا حد زیادی به این وابسته است که قواعد رقابت و مشارکت سیاسی برای جامعه روشن، منصفانه و قابل اتکا به نظر برسد.

ازاین‌رو یکی از مهم‌ترین شروط هم‌گرایی ملی آن است که همه بازیگران سیاسی و اجتماعی نسبت به قواعد مشترک احساس تعهد داشته باشند؛ قواعدی که هم اصل رقابت را حفظ کند و هم دغدغه‌های ثبات، امنیت و منافع عمومی را مورد توجه قرار دهد.

به همین دلیل در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، در کنار اصل حاکمیت اکثریت، سازوکارهایی برای حمایت از حقوق اقلیت طراحی شده است. هدف این سازوکارها صرفا رعایت عدالت نیست؛ بلکه حفظ ثبات و انسجام ملی است. زیرا اقلیتی که احساس کند شنیده می‌شود، کمتر به سمت رفتارهای اعتراضی رادیکال سوق پیدا می‌کند.

در عین حال تجربه این کشورها نشان می‌دهد که حمایت از حقوق اقلیت به معنای نادیده‌گرفتن اراده اکثریت نیست. همان‌گونه که حاکمیت اکثریت بدون تضمین حقوق اقلیت می‌تواند به بی‌ثباتی منجر شود، فاصله‌گرفتن از سازوکارهای پذیرفته‌شده در تعیین نقش و سهم نیروهای مختلف سیاسی نیز می‌تواند اعتماد عمومی به فرایندهای سیاسی را تضعیف کند. هنر حکمرانی در ایجاد تعادل میان این دو اصل است؛ تعادلی که نه به حذف اقلیت بینجامد و نه احساس بی‌اثر بودن رای و نظر اکثریت را ایجاد کند.

در بسیاری از جوامع، چالش اصلی نه وجود دو قطب سیاسی یا اجتماعی، بلکه فقدان سازوکارهای مورد توافق برای مدیریت رقابت میان آنهاست. هرگاه رقابت سیاسی از مسیریهای قابل پیش‌بینی و مورد قبول طرفین خارج شده، شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر شده‌اند. در مقابل، هرگاه امکان مشارکت، گفت‌وگو و رقابت قانونی فراهم بوده، تنش‌ها کاهش یافته و انرژی جامعه در مسیرهای سازنده‌تری به کار گرفته شده است.

از این منظر، هدف سیاست‌گذار بیش از آنکه حذف اختلافات و تنوع دیدگاه‌ها باشد، باید هدایت آنها در چارچوبی سازنده و همگرا باشد. اختلاف دیدگاه‌ها به خودی خود مسئله نیست؛ آنچه اهمیت دارد جلوگیری از تبدیل این اختلافات به شکاف‌ها و رویارویی‌های فرساینده است. جامعه‌ای که در آن افراد با گرایش‌های مختلف سیاسی یکدیگر را دشمن تلقی کنند، به‌تدریج سرمایه اجتماعی خود را از دست می‌هد. در چنین شرایطی حتی تصمیمات درست نیز با مقاومت گسترده مواجه خواهند شد.

واحل اساسی ر می‌توان در شکل‌گیری یک «چارچوب ملی مدیریت اختلاف» جست‌وجو کرد. این چارچوب می‌تواند بر چند اصل استوار باشد. نخست، پذیرش رسمی تکنر سیاسی و اجتماعی. وجود دیدگاه‌های مختلف درباره مسائل کشور نباید به‌عنوان تهدید تلقی شود. بسیاری از اختلافات موجود ناشی از تفاوت در تشخیص راه‌حل‌هاست، نه تفاوت در اصل منافع ملی.

دوم، ایجاد و تقویت نهادهای گفت‌وگوی ملی. جامعه‌ه نیازمند فضاهایی است که در آنها نمایندگان دیدگاه‌های مختلف بتوانند بدون نگرانی از پرسش‌سنزنی یا طردشدن، درباره مسائل کشور گفت‌وگو کنند. تجربه جهانی نشان داده است که گفت‌وگو هزینه اختلافات را کاهش می‌دهد.

سوم، تعریف خطوط قرمز محدود، شفاف و قابل فهم. هر حکومتی برای حفظ امنیت و ثبات خود ناگزیر از تعیین مرزهایی است. اما هرچه این مرزها شفاف‌تر، محدودتر و قابل پیش‌بینی‌تر باشند، امکان شکل‌گیری اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود.

چهارم، تضمین حقوق اقلیت‌های سیاسی و اجتماعی. این تضمین نه به معنای واگذاری قدرت به اقلیت، بلکه به معنای اطمینان‌بخشی به آنها درباره مشارکت، نقد و حضور در عرصه عمومی است. پنجم، احترام به اصل انزگداری شهروندان و گروه‌های اجتماعی در چارچوب قانون. اگر شهروندان احساس کنند مشارکت سیاسی آنها تأثیر واقعی بر نتایج ندارد، انگیزه آنان برای حضور در فرایندهای رسمی کاهش خواهد یافت. پایداری نظام‌های سیاسی زمانی افزایش می‌یابد که اکثریت و اقلیت هر دو اطمینان داشته باشند قواعد رقابت به‌طور یکسان درباره همگان اجرا می‌شود.

ششم، تقویت رسانه‌های مسئول و حرفه‌ای. رسانه‌ها می‌توانند اختلافات را به بحران تبدیل کنند یا برعکس، بستری برای فهم متقابل باشند. جامعه‌ای که تنها صدای یک بخش از خود را می‌شنود، به‌تدریج از شناخت بخش‌های دیگر محروم می‌شود.

هفتم، حرکت از منطق محدودسازی رقابت به منطق رقابت مدیریت‌شده و قانونمند. تجربه نشان داده است که کاهش دامنه رقابت سیاسی، الزاما به افزایش انسجام اجتماعی منجر نمی‌شود. در مقابل، رقابت شفاف و مبتنی بر قواعد مشترک می‌تواند به تخلیه مسالمت‌آمیز اختلافات و تقویت اعتماد عمومی کمک کند.

بر این اساس می‌توان گفت انسجام اجتماعی زمانی محقق می‌شود که همه گروه‌ها احساس کنند بخشی از یک سرنوشت مشترک هستند، حتی اگر درباره بسیاری از مسائل اختلاف داشته باشند. انسجام به معنای یکسان‌اندیشی نیست؛ بلکه به معنای پذیرش قواعدی است که امکان هم‌زیستی دیدگاه‌های مختلف را فراهم می‌کند.

شاید مهم‌ترین توصیه سیاستی برای هر نظام حکمرانی آن باشد که در کنار تأکید بر وحدت و همبستگی، بر ایجاد سازوکارهای پایدار مدیریت اختلاف نیز تمرکز کند. اختلافات اجتماعی و سیاسی اگر فرصت بروز و مدیریت در چارچوب‌های قانونی و پذیرفته‌شده را نیابند، ممکن است در آینده به شکل پیچیده‌تر و پرهزینه‌تری بروز پیدا کنند. در مقابل، اختلافات مدیریت‌شده می‌توانند به رقابت سازنده و حتی تولید راه‌حل‌های بهتر منجر شوند.

در نهایت، انسجام ملی نه با حذف تفاوت‌ها بلکه با سازماندهی آنها به دست می‌آید. جامعه‌ای موفق‌تر است که بتواند میان رقابت و همکاری، میان اکثریت و اقلیت، و میان اختلاف و همبستگی تعادل برقرار کند. چنین تعادلی زمانی پایدار خواهد بود که همه طرف‌ها، از نیروهای سیاسی تا نهادهای تصمیم‌گیر و مراکز قدرت، خود را متعهد به قواعدی بدانند که هم امکان رقابت را حفظ کند و هم ثبات عمومی را تضمین کند. انسجام پایدار زمانی شکل می‌گیرد که نهنتها اکثریت حقوق اقلیت را به رسمیت بشناسد، بلکه همه مراکز قدرت نیز خود را متعهد به قواعدی بدانند که مانع برهم‌خوردن توازن میان رقابت سیاسی و ثبات عمومی شود. تنها در سایه چنین سازوکارهایی است که اهداف ارزشمندی مانند انسجام همدلی و هم‌گرایی ملی می‌توانند به شکلی پایدار و ماندگار تحقق پیدا کنند و جوامع چندصدا را به جوامعی منسجم، پویا و توانمند تبدیل سازند.

شرق: رهبر چین امروز برای نخستین بار در هفت سال گذشته وارد پیونگیانگ شد. این سفر استراتژیک در شرایطی انجام می‌شود که کیم جونگ اون با تکیه بر زرادخانه هسته‌ای و اتحاد نظامی با مسکو در موضع قدرت قرار دارد. در این میان، ماشین دیپلماسی پکن در تلاش است حکومت منزوی کره شمالی را از آغوش مسکو بیرون کشیده و به مدار اقتصادی خود بازگرداند. کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، امروز در پیونگیانگ از ششی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، استقبال می‌کند. رهبر کره شمالی با برخورداری از یک متحد قاطع در روسیه و توسعه زرادخانه هسته‌ای خود، در موضع قدرت قرار دارد و تمایل اندکی برای تعامل با واشینگتن نشان می‌دهد. برای ششی جین‌پینگ به عنوان رهبر دومین اقتصاد بزرگ جهان، این سفر دروازه به کشور همسایه که نخستین بازبید او در هفت سال گذشته به شمار می‌رود، بخشی از یک تلاش برنام‌ریزی‌شده برای کشاندن دوباره پیونگیانگ به مدار نفوذ پکن است.

رئیس‌جمهور چین سال گذشته در جریان یک رژه نظامی عظیم در پکن، میزبان رهبر کره شمالی و دیگر رهبران نزدیک به پکن بود. از آن زمان تاکنون، دو کشور برخی از خدمات مسافربری ریلی و هوایی را از سر گرفته‌اند. اجلاس سران در هفته جاری به احتمال زیاد تضاد آشکاری با نخستین سفر ششی جین‌پینگ به این کشور منزوی در سال ۲۰۱۹ خواهد داشت. آن دیدار فقط چند ماه پس از آن انجام شد که نشست میان کیم و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بر سر خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی و لغو تحریم‌ها به شکست انجامید.

توسعه زرادخانه اتمی در سایه جنگ اوکراین

از سال ۲۰۱۹، رهبر کره شمالی روابط نظامی و تجاری نزدیک‌تری با مسکو برقرار کرده است. این روابط با اعزام نیرو برای جنگیدن در نغ روسیه در جنگ اوکراین تقویت شده است. پیونگیانگ با سرپیچی از تحریم‌های سازمان ملل متحد، به توسعه ظرفیت‌های هسته‌ای خود ادامه داده و مرزهای کشور را برای توقف فرار شهروندان مسدود کرده است. کره شمالی در آستانه ورود رهبر چین تلاش کرد قدرت خود را به نمایش بگذارد و روز شنبه برنامه‌های خود را برای ساخت یک ناوشکن ۱۰ هزار تنی اعلام کرد. این حکومت همچنین روز یکشنبه جایگاه خود را به عنوان یک کشور دارای تسلیحات هسته‌ای دوباره تأیید کرد.

اندروکیهولم، تحلیلگر مؤسسه مشاوره ریسک‌های کنترلی، معتقد است سفر ششی جین‌پینگ به پیونگیانگ یک رویداد بسیار مهم و نقطه اوج چند سال باگذشت موفقیت‌آمیز برای کیم جونگ اون است. کیم در سال ۲۰۱۹ استقبال مجللی از ششی جین‌پینگ به عمل آورد که شامل حضور هزاران نفر با در دست داشتن پلاکاردهایی از چهره او و پرچم چین، و اجرای ترانه «من تو را دوست دارم چین» بود. با وجود این، روابط میان این دو قدرت در مقاطعی، به‌ویژه بر سر برنامه هسته‌ای کره



رئیس‌جمهور چین با دستور کاری مشخص به کره شمالی سفر کرد

نگرانی پکن از اتحاد کره شمالی و روسیه

شمالی، تیره شده است. پکن به صورت علنی با آزمایش‌های هسته‌ای پیونگیانگ مخالفت کرده و خواستار دست‌کشیدن این کشور از تسلیحات اتمی شده است. کره شمالی همواره نسبت به وابستگی بیش از حد به چین که با آن مرزی ۱۴۰۰کیلومتری دارد، محتاط بوده است. در این معادله استراتژیک، پشتیبانی مسکو به احتمال زیاد نوعی تعادل را برای پیونگیانگ فراهم می‌کند. جان دلوری، عضو ارشد انجمن آسیا، تأکید می‌کند کره شمالی به صورت قطعی از آنچه قادر است به لحاظ نظامی به روسیه ارائه دهد، دستاوردهای اقتصادی کسب می‌کند. این وضعیت در واقع کره شمالی را در موقعیتی قرار می‌دهد که ممکن است برای افزایش حجم تجارت و سرمایه‌گذاری با چین احساس اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشد. یک دیپلمات منطقه‌ای اعلام کرد هرگونه دستاورد ملموس این دیدار به احتمال زیاد حول محور همکاری‌های اقتصادی خواهد بود. این در حالی است که کره شمالی یک برنامه توسعه پنج‌ساله را آغاز می‌کند که شامل تبدیل گردشگری به یک صنعت پایدار و ساخت مسکن بیشتر است.

کره شمالی در اوایل سال ۲۰۲۰ مرزهای خود را به روی گردشگران خارجی بست و یکی از سخت‌گیرانه‌ترین کنترل‌های مسافربری ریلی و هوایی را از سر گرفته‌اند. اجلاس سران در هفته جاری به احتمال زیاد تضاد آشکاری با نخستین سفر ششی جین‌پینگ به این کشور منزوی در سال ۲۰۱۹ خواهد داشت. آن دیدار فقط چند ماه پس از آن انجام شد که نشست میان کیم و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بر سر خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی و لغو تحریم‌ها به شکست انجامید.

توسعه فرمز پیونگیانگ

کره شمالی اتحاد دوباره با کره جنوبی را که مدت‌ها هدف هر دو ملت تقسیم‌شده از زمان جنگ سال ۱۹۵۰ بود، رد کرده است. با این حال، لی جائه میونگ، رئیس‌جمهور کره جنوبی، همچنان به گفت‌وگو علاقمند است و از ششی جین‌پینگ درخواست کرده است به تلاش‌های او یاری برساند. چون مونج این، استاد دانشگاه یونسی در سنول و مشاور امنیت ملی یکی از رُشایه‌های جمهوری پیشین کره جنوبی، گفت سنول امیدوار است ششی جین‌پینگ با میانجیگری خود نقش مثبتی در بهبود روابط دو کره ایفا کند. کیم جونگ اون خطوط قرمز مشخصی از جمله درباره برنامه هسته‌ای خود ترسیم کرده است. علاوه بر بیانیه روز یکشنبه، او پنجشنبه خواستار توسعه تصاعدی زرادخانه اتمی کشورش شد.

یانگ مو جین، رئیس دانشگاه مطالعات کره شمالی در

سنول، بر این باور است که کیم به احتمال زیاد به گسترش تولید مواد شکافت‌پذیر، افزایش و استقرار تسلیحات هسته‌ای و تأکید بر مشروعیت تقویت بازدارندگی هسته‌ای پیونگیانگ ادامه خواهد داد. کریستوفر کرین، متخصص امور کره در دانشگاه لیدن هلند، می‌گوید کیم اکنون جسورتر شده است. او احساس می‌کند قادر است توسعه چشمگیر زرادخانه هسته‌ای کره شمالی را با اطمینانی علنی دنبال کند؛ اطمینانی که ناشی از این آگاهی است که تا زمانی که او بی‌ثباتی آشکاری در منطقه ایجاد نکند، پکن تلاشی برای متوقف‌کردن او نخواهد کرد.

بن‌بست دیپلماتیک و اخاذی نظامی از واشینگتن

خواهر قدرتمند رهبر کره شمالی فشار ایالات متحده برای خلع سلاح هسته‌ای این کشور را یک رؤیای منسوخ خواند. او روز یکشنبه اعلام کرد پیونگیانگ در برابر تهدیدات تحت رهبری آمریکا، زرادخانه هسته‌ای خود را به صورت پیوسته گسترش خواهد داد. این بیانیه تهاجمی فقط یک روز پیش از سفر رئیس‌جمهور چین به کره شمالی و گفت‌وگو با کیم جونگ اون منتشر شد. کیم یو جونگ، خواهر و مقام ارشد کره شمالی، با استفاده از نام رسمی این کشور گفت ادعای ایالات متحده برای تضعیف جایگاه کره شمالی به عنوان یک کشور دارای تسلیحات هسته‌ای هیچ قدرت الزام‌آور قانونی ندارد و هیچ‌کس تسلیم لفاظی‌های یک‌جانبه آمریکا نخواهد شد. او ادعای ایالات متحده مبنی بر تأیید هدف مشترک ترامپ و شی جین‌پینگ برای خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی در نشست ماه گذشته پکن را به عنوان اطلاعات نادرست رد کرد. کیم یو جونگ افزود برخی مقامات در ایالات متحده نتوانسته‌اند از رؤیای فرار از واقعیت و منسوخ خود بیدار شوند. کره شمالی از پیوسته گسترش دیپلماسی پرمخاطره کیم جونگ اون با تمرکز در سال ۲۰۱۹، بر بزرگ‌ترکردن زرادخانه هسته‌ای خود با تمرکز کرده است. کارشناسان می‌گویند رهبر کره شمالی خواهان به رسمیت شناخته‌شدن بین‌المللی به عنوان یک قدرت هسته‌ای است تا بتواند لغو تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی را مطالبه کند. کیم جونگ اون هفته گذشته در جریان بازدید از یک کارخانه جدید تولید مواد هسته‌ای گفت کره شمالی نیروهای هسته‌ای خود را با نرخی تصاعدی تقویت خواهد کرد.

در همین حال، خواهر پرنفوذ رهبر کره شمالی فشار ایالات متحده برای خلع سلاح هسته‌ای این کشور را یک رؤیای منسوخ خواند. او روز گذشته اعلام کرد پیونگیانگ در برابر تهدیدات تحت رهبری آمریکا، زرادخانه هسته‌ای خود را به صورت پیوسته گسترش خواهد داد. این بیانیه تهاجمی فقط یک روز پیش از سفر رئیس‌جمهور چین به کره شمالی و گفت‌وگو با کیم جونگ اون منتشر شد. کیم یو جونگ، خواهر و مقام ارشد کره شمالی، گفت ادعای ایالات متحده برای تضعیف جایگاه کره شمالی به عنوان یک کشور دارای تسلیحات هسته‌ای هیچ قدرت الزام‌آور قانونی ندارد و هیچ‌کس تسلیم لفاظی‌های یک‌جانبه آمریکا نخواهد شد.

گزارش

حمله اسرائیل به بیروت

ارتش اسرائیل با عبور از هشدارهای واشینگتن و تهدیدهای ایران، مقر فرماندهی حزب‌الله را در عمق ضاحیه بیروت هدف قرار داد. به گفته مقام‌های تل‌آویو، این حمله استراتژیک در پاسخ به شلیک پرتابه‌های حزب‌الله به اسرائیل انجام گرفت. ارتش اسرائیل در یک عملیات غافلگیرانه و ویرانگر، زیرساخت‌ها و مقر اصلی حزب‌الله را در حومه جنوبی پایتخت لبنان که با نام ضاحیه شناخته می‌شود، هدف قرار داد. این نخستین حمله مستقیم به پایگاه مستحکم و نفوذناپذیر این گروه از زمان حصول توافق آتش‌بس در شانزدهم آوریل به شمار می‌رود. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و یسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل، در یک بیانیه مشترک تأیید کردند که این «عملیات دقیق» در پاسخ مستقیم به «شلیک پرتابه‌ها از سوی حزب‌الله به سمت اراضی اسرائیل» فرماندهی و اجرا شده است. پیش از این حمله، ارتش اسرائیل اعلام کرده بود سامانه پدافندی دو پرتابه شلیک‌شده از مرز لبنان را پس از به صدا در آمدن آژیرهای خطر در مناطق یفتاح و راموت نفتالی، رهگیری و منهدم کرده؛ اگرچه حزب‌الله به صورت رسمی مسئولیت این پرتاب‌ها را نپذیرفته است. تاکنون هیچ گزارش فوری‌ای از میزان تلفات این حمله ویرانگر منتشر نشده است. توافق آتش‌بس هرگز نتوانست به درگیری‌های مستمر و فرسایشی میان ارتش اسرائیل و نیروهای حزب‌الله در جنوب لبنان پایان دهد. ماشین نظامی اسرائیل با صراحت اعلام کرده است به روند انهدام و برجیدن کامل زیرساخت‌های این‌ گروه در امتداد مرزهای خود ادامه خواهد داد. در نقطه مقابل، حزب‌الله هرگونه پیشنهاد برای پیوندزن آتش‌بس با خلع سلاح خود را قاطعانه رد کرده و خواستار توقف حملات اسرائیل و خروج کامل نیروهای آن از جنوب لبنان پیش از هرگونه توافقی شده است.

فراتر از یک درگیری مرزی ساده است؛ چراکه تمامی معادلات روزهای اخیر، ازجمله اعلام آتش‌بس شکننده میان آمریکا و ایران مبنی بر عدم حمله به حومه جنوبی بیروت را به‌طور کامل فروریخته است. صدور بیانیه مشترک از سوی نخست‌وزیر و نهاد ارتش اسرائیل، این گمانه‌زنی را به‌شدت تقویت می‌کند که یک هدف بسیار مهم و کلیدی در این عملیات وجود داشته است. ناظران میدانی معتقدند این رویداد یک نقطه عطف حیاتی است. شدت واکنش‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه بعدی، مستقیم به میزان اهمیت اهداف مورد نظر یا جایگاه اهدافی که در این حمله ناپود شده است، بستگی خواهد داشت.



اهمیت استراتژیک این حمله بسیار فراتر از یک درگیری مرزی ساده است؛ چراکه تمامی معادلات روزهای اخیر، ازجمله اعلام آتش‌بس شکننده میان آمریکا و ایران مبنی بر عدم حمله به حومه جنوبی بیروت را به‌طور کامل فروریخته است. صدور بیانیه مشترک از سوی نخست‌وزیر و نهاد ارتش اسرائیل، این گمانه‌زنی را به‌شدت تقویت می‌کند که یک هدف بسیار مهم و کلیدی در این عملیات وجود داشته است. ناظران میدانی معتقدند این رویداد یک نقطه عطف حیاتی است. شدت واکنش‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه بعدی، مستقیم به میزان اهمیت اهداف مورد نظر یا جایگاه اهدافی که در این حمله ناپود شده است، بستگی خواهد داشت. ارتش اسرائیل تأیید کرده است هدف اصلی، مقر فرماندهی حزب‌الله در بیروت بوده است. در همین راستا، ارتش اسرائیل روز یکشنبه با صدور هشدارهای تخلیه برای ساکنان شهر صور در جنوب لبنان و مناطق اطراف آن، زمینه را برای حملات احتمالی بعدی آماده کرد. این تحرکات نظامی در حالی اوج گرفته است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، پیش‌تر به نتانیاهو هشدار داده بود حمله به پایتخت لبنان غیرقابل قبول است. ترامپ در تلاش است تا یک توافق صلح جامع با ایران به‌عنوان متحد اصلی حزب‌الله منعقد کند. بااین‌حال، تهران هرگونه توافق صلح با ایالات متحده را به برقراری آتش‌بس میان اسرائیل و حزب‌الله در لبنان مشروط کرده است. در درگیری‌های اسرائیل و حزب‌الله لبنان، هزاران نفر جان خود را از دست داده‌اند و بیش از یک میلیون نفر از خانه‌های خود آواره شده‌اند.